

تربیت زیبایی شناختی از منظر جان دیویی و ابوحیان توحیدی

نویسندگان:

محمد پورحسینی

مهدی سجادی

محسن ایمانی نائینی



سرشناسه : پورحسینی، محمد، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور : تربیت زیبایی شناختی از منظر جان دیویی و ابوحنیان توحیدی
مشخصات نشر : تهران : انتشارات خانون، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۳۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۵-۶-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۳۵۰۴۶

شناسه افزوده : مهدی، سجادی- ۱۳۴۲

شناسه افزوده : محسن، ایمانی نائینی- ۱۳۳۶



تربیت زیبایی شناختی از منظر جان دیویی و ابوحنیان توحیدی

ناشر : انتشارات خانون

مؤلفین : محمد پورحسینی، مهدی سجادی، محسن ایمانی نائینی

چاپ متن : چاپ برگ

صحافی : برگ

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : ۱۳۹۴

تیراژ : ۱۰۰۰

قیمت : ۸۵۰۰۰ ریال

فهرست

۱۳	مقدمه
۲۶	فصل اول: دیدگاه ابوحیان توحیدی در خصوص هنر و زیبایی شناسی
۲۶	۱-۱ شاخه های فلسفه
۲۶	۱-۱-۱ انسان شناسی توحیدی
۲۷	۱-۱-۲ معرفت شناسی توحیدی
۲۷	۱-۱-۳ ارزش شناسی توحیدی
۲۸	۲-۱ هنر و زیبایی شناسی از دیدگاه اسلام
۲۸	۳-۱ زیبایی شناسی توحیدی
۲۸	۱-۳-۱ خود شناسی مقدمه زیبایی شناسی
۲۹	۱-۳-۲ زیبایی مادی و زیبایی مطلق
۲۹	۱-۳-۳ زیبایی؛ سود مادی و معنوی
۳۰	۱-۳-۴ شناخت زیبایی
۳۰	۱-۳-۵ عقل معیار زیبایی
۳۱	۱-۳-۶ آفرینش هنری
۳۲	۱-۳-۷ صورت حسی و عقلی
۳۲	۱-۳-۸ رابطه فرم و محتوا نزد توحیدی
۳۲	۱-۳-۹ تخیل نزد ابوحیان توحیدی
۳۳	۱-۳-۱۰ ذوق زیبایی شناختی
۳۴	فصل دوم: تبیین دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی شناسی
۳۴	۱-۲ فلسفه های غیر زیباشناسانه در نگاه جان دیوی
۳۶	۲-۲ تجربه زیبایی شناختی
۳۷	۳-۲ تجربه واحد؛ تجربه ای زیبایی شناختی
۳۷	۴-۲ تجربه هنری در مقابل شیء هنری

- ۲-۵ تجربه‌های روزمره؛ به مثابه تجربه‌ای زیبایی شناختی..... ۳۷
- ۲-۵-۱ عوامل بازدارنده و مخالف تجربه روزمره..... ۳۸
- ۲-۵-۱-۱ انتقاد از کسانی که احساس را خوار می‌شمارند..... ۳۸
- ۲-۵-۱-۲ انتقاد از تفکر بخش‌بندی‌کننده مدرن..... ۳۸
- ۲-۵-۱-۳ انتقاد از نظریه پردازهای زیبایی شناختی..... ۳۹
- ۲-۵-۱-۴ دیدگاه موزه‌مدار؛ مخالف تجربه روزمره..... ۳۹
- ۲-۶ پیوستگی‌ها در مقابل دوگانگی‌ها..... ۴۰
- ۲-۶-۱ تقابل‌ها..... ۴۰
- ۲-۶-۱-۱ متافیزیک اکثریت / متافیزیک اقلیت..... ۴۰
- ۲-۶-۱-۲ هنر اکثریت (پاپ، نازل) / هنر اقلیت (فرهیخته، فاخر)..... ۴۰
- ۲-۶-۱-۳ چیزهای مادی / چیزهای اثیری..... ۴۱
- ۲-۶-۱-۴ هنر سودمند / هنر زیبا..... ۴۱
- ۲-۶-۲ طبقه‌بندی یا غیرقابل طبقه‌بندی بودن هنر..... ۴۲
- ۲-۷ عمل بیان؛ آفرینشی هنری..... ۴۲
- ۲-۸ عین بیانگر (محصول بیانگر) زیبایی شناختی..... ۴۳
- ۲-۹ ماده و فرم زیبایی شناختی..... ۴۴
- ۲-۹-۱ عناصر و ویژگی‌های فرم زیبایی شناختی..... ۴۴
- ۲-۹-۲ عدم جدایی فرم و ماده از یکدیگر..... ۴۴
- ۲-۹-۳ سیر و تاریخ طبیعی فرم گشتن یک چیز..... ۴۵
- ۲-۱۰ ریتم محصول هنری و ریتم کار هنری..... ۴۵
- ۲-۱۱ ماده مشترک هنرها..... ۴۶
- ۲-۱۲ نقد و ادراک..... ۴۶
- ۲-۱۲-۱ نقد قضایی..... ۴۶
- ۲-۱۲-۲ نقد تأثرگرایانه..... ۴۷
- ۲-۱۲-۳ نقد به مثابه داوری..... ۴۷
- ۲-۱۳ تعامل زمینه اجتماعی، فرهنگ، علم و تمدن با هنر..... ۴۷

- ۴۸-۱۴-۲ رابطه زیبایی‌شناسی با عقلگرایی.....
- ۴۹-۱۴-۲ عدم تقابل علم و تفکر با هنر.....
- ۵۰-۱۴-۲ تمایز بین اعلام و بیان هنری.....
- ۵۰-۱۴-۲ تجربه تخیلی آگاهانه.....
- ۵۱-۱۴-۲ منزلت والای امر زیبا.....
- ۵۱-۲ عوامل انسانی و روان‌شناسی در تجربه زیبایی‌شناختی.....
- ۵۲-۲ رابطه زیبایی‌شناسی با دین و معنویت.....
- ۵۳-۲ رابطه زیبایی‌شناسی با اخلاق.....
- ۵۴- فصل سوم: دلالت‌های دیدگاه زیبایی‌شناختی جان دیویی برای فرایند تدریس و یادگیری.....
- ۵۴-۳ فرایند تدریس و یادگیری به مثابه تجربه‌ای زیبایی‌شناختی.....
- ۵۷-۳ رابطه علم و هنر در فرایند تدریس و یادگیری.....
- ۶۰-۳ تدریس واحد؛ تجربه‌ای زیبایی‌شناختی.....
- ۶۲-۳ تعامل فراگیر با مربی و محتوا.....
- ۶۳-۳ پرهیز از تقابل‌ها در تدریس.....
- ۶۴-۳ پیوند هنر با امور روزمره.....
- ۶۴-۳-۱-۶-۳ تعلیم و تربیت مانع تعلیم و تربیت.....
- ۶۴-۳-۲-۶-۳ اتصال تدریس و یادگیری با امور روزمره.....
- ۶۶-۳-۳-۶-۳ همبستگی زندگی اجتماعی با فرایند تدریس و یادگیری.....
- ۶۷-۳-۳-۶-۳ نقش مثبت فرهنگ‌های دیگر بر فرهنگ ما.....
- ۶۷-۳-۷-۳ عوامل مشترک روان‌شناسی و زیبایی‌شناسی.....
- ۶۷-۳-۷-۱ اتحاد حس و عقل.....
- ۶۸-۳-۷-۲ اتحاد عاطفه و عمل.....
- ۶۹-۳-۷-۳ اتحاد هنر و سنت.....
- ۶۹-۳-۷-۴ همپوشانی زمان‌ها و توجه به حال در تربیت.....
- ۷۰-۳-۸-۳ تجربه تخیلی در فرایند یاددهی-یادگیری.....

- ۹-۳ اشتغال به تدریس به مثابه کاری هنری ۷۱
- ۱۰-۳ نقش بازی در فرایند یادگیری ۷۱
- ۱۱-۳ عمل بیان در فرایند تدریس ۷۳
- ۱۱-۳ الهام و عمل بیان برای فرایند یادگیری ۷۳
- ۱۱-۳ عاطفه غیر مستقیم برای بیان شدن تدریس ۷۴
- ۱۱-۳ استفاده از محصولات بیانگر در فرایند تدریس ۷۵
- ۱۲-۳ ماده و فرم زیبایی شناختی در فرایند تدریس ۷۶
- ۱۲-۳ عناصر فرم زیبایی شناختی در فرایند تدریس و یادگیری ۷۶
- ۱۲-۳ گذشته و سنت در فرم زیبایی شناختی ۷۸
- ۱۲-۳ فرم نامرئی ۷۹
- ۱۲-۳ عدم جدایی فرم و ماده از یکدیگر در تربیت ۸۰
- ۱۲-۳ توجه به زمان - مکان در تدریس ۸۱
- ۱۳-۳ ریتم در تجربه یادگیری و تدریس ۸۱
- ۱۴-۳ چرخه عدم یکپارچگی و بازیابی اتحاد و نظم ۸۳
- ۱۵-۳ سازمان یافتگی نیرو و تدریجی بودن فهم زیبایی شناختی ۸۴
- ۱۶-۳ ضرورت صداقت در هنر تدریس ۸۵
- ۱۷-۳ اهمیت رسانه در فرایند یادگیری ۸۵
- ۱۸-۳ بهره گیری از مواد گوناگون هنر هادر تدریس ۸۷
- ۱۸-۳ نقش معماری در یادگیری ۸۷
- ۱۸-۳ نقش موسیقی در یادگیری ۸۷
- ۱۸-۳ نقش هنر ادبیات در یادگیری ۸۸
- ۱۹-۳ رابطه هنر و زیبایی شناسی با اخلاق ۸۹
- ۱۹-۳ ارتباط یا عدم ارتباط هنر با اخلاق ۹۰
- ۱۹-۳ نظریه های رابطه بین هنر و اخلاق ۹۱
- ۱۹-۳ رابطه بین هنر و اخلاق در دیدگاه دیویی ۹۲
- ۱۹-۳ فراگیری اخلاق به صورت تجربه مستقیم ۹۲

- ۹۳-۱۹-۲ آموزش اخلاق به صورت غیرمستقیم
- ۹۵-۱۹-۳ نقش تخیل در آموزش و یادگیری اخلاق
- ۹۶-۱۹-۴ نقش اجتماع، محیط، تمدن و فرهنگ بر اخلاق
- ۹۷-۲۰-۳ تجربه دینی
- ۱۰۰-۲۰-۳ استفاده از عاطفه برای دیندار کردن کودکان
- ۱۰۰-۲۱-۳ نقد در تربیت
- ۱۰۰-۲۱-۳ مغالطه‌های بزرگ نقد زیبایی‌شناختی
- ۱۰۱-۲۱-۱ خلط ارزش‌ها
- ۱۰۲-۲۱-۲ بهره‌گیری از نقد داور گونه در تدریس
- فصل چهارم: نکات مشترک و مثبت دیدگاه زیبایی‌شناختی جان دیویی و ابوحیان توحیدی
- ۱۰۴-۱-۴ مقدمه
- ۱۰۴-۲-۴ نکات مثبت دیدگاه زیبایی‌شناختی دیویی برای فرایند تدریس و یادگیری از دید زیبایی‌شناسی توحیدی
- ۱۰۵-۲-۴ رهنمایدن زیبایی‌شناسی از انحصار هنر
- ۱۰۶-۲-۴ توجه به امور عملی و روزمره
- ۱۰۷-۲-۴ احترام به همه مذاهب و فرهنگ‌ها
- ۱۰۷-۴-۲ ادبیات و تاثیر فوق العاده آن
- ۱۰۹-۲-۴ نقش موسیقی در یادگیری
- ۱۱۰-۲-۴ نقش تخیل در شناخت و آگاهی
- ۱۱۱-۲-۴ الهام و تأمل و رابطه میان آن دو
- ۱۱۲-۲-۴ صدق و کذب هنری
- ۱۱۳-۲-۴ نقش زیبایی در ایجاد انگیزه درونی در مربی
- ۱۱۳-۲-۴ قابلیت کشف هنر و زیبایی‌شناسی

- فصل پنجم: نقد دلالت‌های دیدگاه زیبایی‌شناختی دیویی برای فرایند تدریس و یادگیری با تأکید بر
 آرای زیبایی‌شناختی ابو حیان توحیدی..... ۱۱۵
- ۵-۱ نقد آرای زیبایی‌شناختی جان دیویی برای فرایند تدریس و یادگیری بر اساس اندیشه‌های
 زیبایی‌شناختی ابو حیان توحیدی..... ۱۱۵
- ۵-۱-۱ نقد اول؛ سود بردن از همه زیبایی‌ها..... ۱۱۵
- ۵-۱-۲ نقد دوم؛ تفهیم عالی فراگیران..... ۱۱۷
- ۵-۱-۳ نقد سوم؛ معنا و محتوا بر تراز شکل و فرم زیبایی‌شناختی..... ۱۱۸
- ۵-۱-۴ نقد چهارم؛ عقل و وحی بر تراز تجربه..... ۱۱۹
- ۵-۱-۵ نقد پنجم؛ تکامل ماده به سوی معنا..... ۱۲۰
- ۵-۱-۶ نقد ششم؛ تربیت اخلاقی زیبایی‌شناختی و تربیت زیبایی‌شناختی اخلاقی..... ۱۲۲
- ۵-۱-۷ نقد هفتم؛ نقد دین تجربه شده در فرایند یادگیری..... ۱۲۴
- ۵-۲ سخن آخر..... ۱۲۸
- منابع و مآخذ..... ۱۳۰
- الف) منابع فارسی..... ۱۳۰
- ب) منابع لاتین..... ۱۳۸

مقدمه

پرورش انسان متعادل و متوازن در گرو توجه به تمام جنبه‌های وجودی و ابعاد مختلف شخصیتی اوست، در حالی که نظام کنونی تعلیم و تربیت^۱، توجه خود را به جنبه‌های عملی و پرورش ابعاد شناختی معطوف ساخته و از بُعد زیبایی شناختی^۲ و هنری زندگی غافل مانده است، غفلتی که بی گمان مانع از پرورش انسان‌های دارای شخصیت، متوازن و هماهنگ خواهد شد (علیق، ۱۳۹۰: ۲۲). پس نهاد آموزش و پرورش^۳ در هر جامعه ای باید تلاش خود را در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد های هنری و زیبایی شناختی دانش آموزان به کار ببندد یا آنچه که به اصطلاح^۴ «تربیت هنری» نامیده می‌شود. هربرت رید^۵، متفکر شهیر انگلیسی در اظهار نظری حکیمانه و در عین حال تعجب برانگیز گفته است «غالب تربیت، آماده ساختن فرد به عنوان یک هنرمند است» (مهر محمدی، ۱۳۹۱: ۱۳). یکی از بزرگترین هنرمندان سده بیستم «کارل تئودور درایر^۶» در مقاله‌ای از قول «هاینریش هاینه^۷» نقل کرده: «هر جا که کلام نتواند پیش رود، موسیقی آغاز می‌شود». از هنر کاری برمی آید که از عهده هیچ وسیله دیگری که در نهایت از منش بیانگری زبان سود جوید، ساخته نیست (احمدی، ۱۳۸۴: ۱). تمام افراد جامعه می‌پذیرند که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، آشنا کردن دانش آموزان با هنر، ارائه فهمی از هنر به آن‌ها، ایجاد حس قدرشناسی از آن، و پرورش خلاقیت هنری است. با این حال، با توجه به اولویت بندی‌های معاصر، تربیت زیبایی شناختی در مقام عمل، در رتبه پایین تری قرار دارد. ماکسین گرین^۸ (۱۹۸۱) عقیده دارد که هنر و زیبایی عموماً در مؤسسات تربیتی مورد غفلت قرار گرفته است (الیاس^۹، ۱۳۸۱).

اهمیت شأن زیبایی شناسی آدمی و نقش کلیدی تبیین^{۱۱} فلسفی هنر و زیبایی در تربیت آن از موضوعاتی است که تاکنون به طور شایسته مورد توجه پژوهشگران در عرصه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. کتاب حاضر به موضوع زیبایی شناسی در فرایند تدریس^{۱۱} و یادگیری^{۱۲} می‌پردازد. توجه به هنر^{۱۳} و زیبایی شناسی در تدریس و یادگیری، می‌تواند این فعالیت را جذاب و هیجان انگیز سازد و اثرگذاری آن را بر مخاطبان خاص خود (دانش آموزان) بیشتر کند، پس کاوش در دلالت‌های زیبایی شناختی برای تدریس و یادگیری حائز اهمیت است. تبیین ماهیت زیبایی شناسی و استفاده و جایگاه آن در فرایند تدریس و یادگیری،

1.education. 2.aesthetics. 3.education 4.artistic pedagogy. 5.Read,H.
6.Dreyer,C.T. 7.Heinrich,H. 8.Greene,M. 9.Elias,J. 10.explanation.
11.teaching. 12.learning. 13.art.

انگیزه نوشتن این کتاب بوده است که با تاکید بر دیدگاه زیبایی‌شناختی جان دیویی^۱ و نقد دلالت‌های آن از منظر زیبایی‌شناسی ابو حیان توحیدی^۲، انجام می‌شود.

جان دیویی در اکتبر ۱۸۵۹ در آمریکا در خانواده‌ای فقیر و کشاورز متولد شد و در سال ۱۹۵۲ با بالاترین درجات علمی وفات یافت. او ذهنی فعال داشت و فردی پرکار بود و در دانشگاه‌ها و شهرها و کشورهای مختلف به تدریس، سخنرانی و تحقیق پرداخت. دیویی از اندیشه‌های هگل^۳ و داروین الهام گرفته است. مقالات و کتاب‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: روانشناسی؛ یک گفتار انتقادی؛ اخلاق دموکراتیک؛ کاربرد روان‌شناسی؛ مدرسه و اجتماع؛ ما چگونه می‌اندیشیم؛ آموزشگاه‌های فردا؛ دموکراسی و آموزش و پرورش؛ بازسازی در فلسفه؛ تجربه و طبیعت؛ در جستجوی یقین؛ فلسفه و تمدن؛ هنر به عنوان تجربه؛ ایمانی مشترک؛ تجربه و تعلیم و تربیت؛ منطق؛ تئوری تحقیق؛ دانستن و دانسته. اندیشه‌های دیویی در مکتبی قرار می‌گیرد که پراگماتیسم^۴ نامیده می‌شود. واژه پراگماتیسم مشتق از لفظ یونانی (pragma) و به معنی عمل^۵ است. این واژه اول بار در سال ۱۸۷۸ توسط چالرز ساندرز پیرس^۶، منطقی‌دان آمریکایی به کار برده شد (جیمز^۷، ۱۳۷۰: ۴۱). زمینه تاریخی - فکری پراگماتیسم عبارتند از: (۱) نظریه هراکلیتوس^۸ که می‌گوید: یک فرد نمی‌تواند دو بار در یک رودخانه حاضر شود. پراگماتیسم‌ها نیز بر تغییر و تبدیل موقعیت‌های نامعین به معین تأکید دارند. (۲) نظریه سوفیست^۹‌ها: پروتاگوراس^{۱۰} انسان را معیار همه چیز می‌دانست. در پراگماتیسم هم مفاهیمی مثل تغییر، تازگی، تعامل فرد با محیط و تأثیر متقابل وجود دارد (سجادی، ۱۳۷۶: ۱۲۳-۱۲۴).

دیدگاه‌های اصلی فلسفه عملگرا عبارتند از: واقعیت متغیر؛ اعتقاد به این که طبیعت انسان اساساً جنبه اجتماعی و زیستی دارد؛ نسبیت ارزش‌ها و استفاده از هوش نقاد (نلر^{۱۱}، ۱۳۸۸: ۲۵). در دیدگاه دیویی نه تنها جدا شمردن انسان و طبیعت بلکه جدا کردن فرد از زمینه اجتماعی او نیز نارواست؛ همه جنبه‌های گوناگون آدمی را باید در نسبت با یکدیگر نگریست. از اینرو جدا کردن اندیشه و کردار یا نظر و عمل نارواست (نقیب زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۴). در نظر عملگر، ارزش‌ها نسبی هستند قواعد اخلاق و کردار ثابت نیستند بلکه با تغییر فرهنگ‌ها و جامعه‌ها تغییر می‌کنند. «مرتبط ساختن خوب با عمل فضیلت عمده فلسفه اخلاق جان دیویی است» (این‌تایر^{۱۲}، ۱۳۷۹: ۵۰۲).

1. John Dewey.

2. Abo Hayaane Toohidi.

3. Hegel, G.W.F.

4. Pragmaticism. 5. action.

6. Charles, S. Peirce.

7. James, W.

8. Heraclitus.

9. Sophist.

10. Protagoras.

11. Kneller, G.F.

12. MacIntyre, A.

از دیدگاه عملگرایی، دو پدیدار مهم وجود دارند و همه نظرها و در همه امور از آن دو متأثر می‌شود و آن‌ها عبارتند از: «تجربه^۱» و «تغییر^۲». بنابراین، انسان معیار اصلی می‌شود و جهان یا کیهان همان مقداری که او می‌تواند به آن معنا دهد، وجود دارد. به عبارتی دیگر، آنچه که انسان نمی‌تواند تجربه کند، نمی‌تواند برای او واقعی باشد. شفلر^۳، می‌گوید: «تفسیر دیوئی از تجربه، به عنوان تفسیری است که هم عناصر آرمانی، هدفمند، و عملی، و هم ادراک حسی را به رسمیت می‌شناسد» (۱۳۸۱: ۲۹۳). دیویی تجربه محض را رد می‌کند. تصورات یا نقشه یا طرح اقدام در واقع تجربه‌گرایی دیویی را با عقل پیوند می‌زند و آن را از تجربه‌گرایی محض متمایز می‌سازد (یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۳۲). در تشکیل معرفت به طور کلی در تدوین نظریه علمی، جان دیویی هم برای پدیده خارجی و هم مفاهیم ذهنی نقشی اساسی قائل است (دیویی، ۱۳۶۹: یک). دیویی به عنوان سازنده‌گرایی بر این که فراگیران فعالانه دانش و معنی خویش را از تجربیاتشان می‌سازند، تاکید دارد (شیخی فینی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). ولی بر اثر تحقیقات انجام شده باید توجه داشت که در ابتدای تحصیل کودک باید از آموزش‌های واقع‌گرایانه استفاده نمود و سپس در مراحل بعدی از معرفت‌شناسی ساخت‌گرایی و پراگماتیست که نسبی‌گرایانه است استفاده کرد (فردانش، ۱۳۸۰: ۵۹).

یکی از فیلسوفان اسلامی که در مورد زیبایی‌شناسی، نظریات خاص خود دارد ابوحنیفان توحیدی می‌باشد. علی بن محمد بن عباس، کنیه‌اش ابوحنیفان از مشاهیر، ادبا و حکما و متصوفه قرن چهارم هجری در حدود ۳۱۰ هجری قمری زاده شد. زمان وفات آن معلوم نیست و وی قطعاً تا سال ۴۰۰ هجری قمری زنده بوده است. زادگاه وی را بغداد (بر اساس نظر گیلانی)، واسط عراق، نیشابور و شیراز نوشته‌اند. شریعتمداری (۱۳۸۹) می‌گوید که در مورد محل دفن او تردیدی نیست که شیراز بوده است (۲۳). او می‌گوید که لقب توحیدی نه بدان معناست که او معتزلی و صوفی مسلک (مذهب عدل و توحید) بوده است بلکه ابن خلکان با قید «می‌گویند» آورده است پدرش فروشنده نوعی خرما به نام توحید بوده است. بیش از بیست کتاب به ابوحنیفان نسبت داده‌اند و چون در اواخر عمر کتاب هایش را سوزاند و نیز به دلیل گمنام گذاشتن عمدی وی توسط حاکمان تا ده‌ها سال پس از وفاتش نباید انتظار داشت که همه تألیفاتش باقی مانده باشد (همان، ۴۲).

قبل از این که به موضوع هنر و زیبایی در تربیت بپردازیم به تعریف هنر و زیبایی و دیگر مفاهیم مربوط توجه می‌کنیم: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (عمرانی، ۱۳۹۰: ۶۲ به نقل از فیض کاشانی). همه ما زیبایی^۱ را دوست داریم و از زشتی‌ها گریزان هستیم. احساسی که زیبایی در انسان بر می‌انگیزد، سروری سالم است. چرنیشفسکی^۲ می‌گوید: «عام‌ترین چیزی که برای انسان گرامیست و عزیزتر از آن در جهان نیست، زندگی است... زیبایی آن چیز است که مبین زندگی باشد یا زندگی را به خاطر آورد» (۱۸: ۱۳۵۷). بنابر این، زیبایی، نقشی اساسی در زندگی هر انسانی دارد. فلسفه در پی آن است که زیبایی و امر زیبا را خوب بشناسد و حقیقت و مشخصات آن را تعیین کند و اگر ممکن شد، اصول و قواعد زیبایی را در اختیار همگان قرار دهد. این حوزه از فلسفه که به زیبایی و چیستی آن می‌پردازد، زیبایی‌شناسی نام دارد.

مقوله‌های^۳ فلسفه شامل هستی‌شناسی^۴ معرفت‌شناسی^۵ و ارزش‌شناسی^۶ هستند. «ارزش عبارت است از قدر و قیمتی که انسان برای اندیشه‌ها و امور و اشیاء پیرامون خود قائل است». دانشی که به مطالعه و بررسی انواع مختلف ارزش‌ها از قبیل رزش‌های مادی، معنوی، مذهبی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری و غیره می‌پردازد، ارزش‌شناسی نام دارد (نیکزاد، ۱۳۷۱: ۵۶). ارزش‌شناسی شامل اخلاق^۷ و زیبایی‌شناسی است.

واژه زیبایی‌شناسی (به آلمانی: Ästhetik) که در فارسی زیبایی‌شناسی یا جمال‌شناسی اصطلاح کرده‌اند از واژه یونانی (aisthetikos) مشتق شده که به معنی حساسیت و استعداد دریافت به وسیله حواس است (آونرزیس^۸، ۱۳۶۳: ۳). نخستین بار که الکساندر باومگارتن^۹ (۱۷۶۲-۱۷۱۴) (فیلسوف آلمانی) آن را در سال ۱۷۵۰ در کتابی به همین نام به کار برد، او زیبایی‌شناسی را «علم چگونگی شناخته شدن اشیاء و امور از راه حواس» تعریف می‌کرد. اما «استتیک» در اندیشه جدید بی‌تردید معنای اختصاصی‌تری دارد و فقط به ادراک حسی به طور کلی مربوط نمی‌شود (لوینسون^{۱۰} و گایر^{۱۱}، ۱۳۸۷: ۲۱).

واژه زیبایی‌شناسی در قرن نوزدهم به مرور دلالتی وسیع‌تر یافت و به «فلسفه ذوق» «نظریه هنرهای زیبا» و «علم زیبایی» اطلاق گردید. در اواخر قرن نوزدهم استتیک مشخص‌کننده حرکت‌هایی نوین در هنر گردید و به ویژه جنبش نویسندگان و هنرمندانی که شعارشان هنر برای هنر بود عنوان جنبش استتیک به خود گرفت (شپرد^{۱۲}، ۱۳۸۸: هفت).

1.beauty. 2.Chernyshevsky. 3.category. 4.ontology. 5.epistemology.
6.oxiology. 7.ethics. 8.Zeiss,A. 9.Baumgarten,A.G. 10.Levinson,J.
11.Guyer,P. 12.Sheppard,A.